

پیشینه پیدایی و مراحل شکل گیری علم اصول فقه در علوم اسلامی

نام درس: علم اصول فقه

گردآورنده: فاطمه علیان نژادی

پاییز ۱۴۰۳

چکیده

درخصوص علم اصول فقه، یکی از پرسش‌های اساسی چگونگی پیدایش و سیر تحول آن در تاریخ علوم اسلامی است که تا حدودی نزد جویندگان این علم مغفول مانده و در حاشیه مباحث و مسائل غامض و پیچیده اصولی قرار گرفته است. به دلیل اینکه تبارشناسی و شناخت تاریخی هر پدیده در شناخت ماهیت و حقیقت آن، دارای اهمیت است، بررسی ادوار و مراحل تطور علم اصول فقه نیز در شناخت هرچه بیشتر این علم، مهم و ضروری به شمار می‌رود. پیشینه و ادبیات این موضوع را می‌توان به صورت پراکنده در برخی از کتب اصولی به دستاورد و هم چنین پژوهش‌های جدیدی نیز در این موضوع شکل گرفته است؛ اما نوشتار حاضر درصدد بررسی ادوار و مراحل علم اصول فقه در مقاطع زمانی تعیین شده و به صورت دسته‌بندی و نظام‌مند می‌باشد. اصول فقه اهل سنت و اصول فقه اهل تشیع، در ادوار تاریخی هر کدام مسیر متفاوتی را طی نموده است؛ اگرچه ابوحنیفه از پیشگامان اصول فقه اهل سنت در قرن دوم هجری به شمار می‌رود، اما شافعی اولین کسی است که در اصول فقه اهل سنت، اثر مکتوب به وجود آورد. مرحله شکوفایی اصول فقه اهل سنت، سده چهارم تا اواسط قرن هفتم هجری است که با خلق آثار متعددی در حوزه اصول فقه رقم خورد. با بنیان‌گذاری علم اصول فقه شیعه توسط امام باقر و امام صادق، در دوره تأسیس آن، سده چهارم هجری دانسته شده که پس از آن، در قرن‌های پنجم تا هفتم؛ از زمان شیخ طوسی تا محقق حلی به تثبیت رسیده است. با توجه به ماهیت و حقیقت این تحقیق، روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه‌ای و به صورت تحقیق مروری انجام شده است.

کلیدواژه: اصول فقه، ادوار، علوم اسلامی، تاریخچه، پیشینه، پیدایش، شکل‌گیری.

شافعی نام یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت از دین اسلام است و از مذاهب فقهی و پیرو ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی و از پیشوایان چهارگانه اهل سنت و جماعت است و در کنار مذهب حنفی اهل بیشترین پیروان را در میان مذاهب اسلامی دارند. شافعی بین سال‌های ۱۵۰ تا ۲۰۴ قمری در فلسطین به دنیا آمد و در سال ۲۰۴ وفات یافت.

مقدمه

انسان همانگونه که با تفکر، قوانین عام و کلی حاکم بر طبیعت را کشف می کند که اساس علوم است، هم چنین با تفکر، قواعد کلی و تعمیم پذیری را کشف می کند که معیارهای لازم برای رفتارهای انسان و از جمله تفکر است. علم اخلاق معیارهای لازم برای رفتارهای انسان با خود و دیگران است که انسان های با تفکر آن را کشف کرده اند. علم اخلاق، منطق رفتار است. علم منطق هم عام ترین معیارهای لازم برای تفکر و اندیشه است که از دوران حکمای یونان تنظیم شده است، اما حکمای یونان آن را اختراع نکرده اند، بلکه کشف کرده اند، قبل از آنان هم بشر از قواعد منطقی به طور ناخودآگاه بهره می گرفتند. به تدریج دانشمندان متوجه شدند که منطق عمومی به تنهایی کافی نیست و برخی از علوم، منطق و معیارهای خاصی هم لازم دارد. به همین جهت با گسترش علوم، نیازها به دانش فراتر از علم منطق پیدا شد که معیارهای لازم برای تفکر و اندیشه را در حوزه های خاصی تبیین و تنظیم کنند. علم اصول فقه بعد از گسترش علم فقه به عنوان منطق و معیارهای لازم برای تفقه یا تفکر دینی فقهی، پدید آمد. شکل گیری علوم انسانی، معلول نیازهای تاریخی جوامع اسلامی است. در واقع علوم اسلامی معلول دوری از عصر نزول قرآن است که باعث ایجاد نیاز به این علوم در فضای غیر عصر نزول است (صدر، ۱۳۹۵ق، ص ۳۶۷). در عصر پیامبر اکرم هیچ یک از علوم اسلامی وجود نداشت، ولی بعدها به تدریج بر اثر گسترش نیازها، علوم اسلامی به تدریج شکل گرفتند. علم اصول فقه هم مثل دیگر علوم اسلامی، معلول این نیاز تاریخی است. در عصر صحابه بعضی از مباحث اصول فقه، به صورت پیش فرض و یا موضوع مورد اختلاف وجود داشته است. مثل مرجعیت و حجیت سنت نبوی، عدم اعتبار و یا تشکیک در اعتبار خبر واحد که عمر بن خطاب خلیفه دوم سخن فاطمه بنت قیس را رد کرد، اعتبار خبر مرسل که از عصر صحابه صغار مثل

عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر که گاهی خبری را که از کسی شنیده بود، به اعتبار اعتماد بر روایت مستقیم از پیامبر نقل می کردند، اعمال رای در موارد نبود شاهی از قرآن و سنت، توسط بعضی از صحابه مثل ابوبکر، عمر و ابن مسعود؛ از ابن مسعود درباره مردی که با زنی ازدواج کرده و مهری مشخص نکرده و قبل از هم بستری با او فوت کرده است، از مهر زن پرسید، او گفت: بعد از رسول الله چنین سوال سختی از من نشده است و یک ماه جواب نداد و در مقابل اصرار دیگران که اگر تو نگویی از کی بپرسیم؟ گفت: من رای خود را میگویم اگر درست باشد از خداوند و اگر نادرست باشد از من و شیطان است (آمدی، ۱۴۰۲ ق، ص ۷۸۰). قرن دوم که دوره تابعان است، بسیاری از مباحث اصول فقهی مثل اجماع، قیاس، استحسان، قاعده مصلحت، فتوای صحابی و سد ذرایع، به صورت پراکنده توسط عالمان مطرح این قرن عمدتاً مورد اختلاف بوده است. مثلاً ابوحنیفه بر قیاس بسیار تأکید داشت، مالک بر استحسان و عمل مدینه و سد ذرایع. در حالی که شافعی (۱۵۰-۲۰۴ ق) استحسان، مصالح مرسله و سد ذرایع را قبول نداشت و شیعه این منابع و نیز قیاس را قبول نداشت. هم چنین مسئله نسخ، اختلاف حدیث، بحث عموم و خصوص، حجیت خبر واحد و مباحث دیگر هم در عصر تابعان مورد توجه قرار گرفت (سعد الخن، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰-۱۳۱). با این وصف علم اصول فقه مانند بسیاری از علوم اسلامی، به صورت یک علم، مدون و مکتوب نشده بود. مراحل و ادوار علم اصول فقه در دو قسمت (اصول فقه اهل سنت و اصول فقه شیعه) قابل بررسی است و هم چنین به تعریف، علل پیدایش، شخصیت های بارز و شکل گیری دوره تاسیس این علم در این نوشتار به آن پرداخته شده است.

اصول فقه

عنوان اصول فقه از دو کلمه تشکیل شده است اصول و فقه اصول جمع اصل و اصل در لغت چیزی است که شیء دیگر بر آن مبتنی است. فقه در لغت به معنای فهم عمیق و در اصطلاح فقهاء عبارت است از «العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیه علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل های تفصیلی آنها». در اصطلاح مشهور اصولیان این چنین تعریف شده است: «اصول الفقه هی القواعد الممهده لاستنباط الاحکام الشرعیه الفرعیه من ادلتها التفصیلیه؛ اصول فقه، مجموعه قواعدی است که در جهت استنباط احکام شرعی فرعی از منابع تفصیلی آنها مورد استفاده قرار میگیرد از این رو علم اصول فقه نسبت به علم فقه علمی ابزاری است که فقیه به وسیله آن میتواند احکام شرعی فرعی را از منابع آنها یعنی، کتاب سنت اجماع و عقل استنباط کند. در این دانش روش صحیح دستیابی به احکام شرعی با استفاده از ادله نقلی و عقلی بررسی میشود هرچند برخی مسائل دانش اصول فقه در زمان (امام باقر علیه السلام) و (امام صادق علیه السلام) مطرح شده بود و هم چنین برخی از شاگردان مانند هشام بن حکم رساله هایی در این دانش نوشته بودند. شیعه در طول حیات خود با اهتمام شدید به علم اصول فقه، آن را مقدمه فقه و ابزاری مهم در استنباط صحیح احکام شرعی ضروری می دانست، تا جایی که آن را، منطق علم فقه نامیده اند. بدین معنا که فقیه در استنباط احکام شرعی از منابع، نیازمند اصول و قواعدی است که علم اصول فقه عهده دار آن است و بدون آن استنباط احکام شرعی کامل و تمام نیست.

هشام بن حکم دانشمند علوم عقلی و از یاران جعفر بن محمد صادق، از امامان شیعه، و از نخستین متکلمین مسلمان و شیعه است.^۲

زمان هم به عنوان متن درسی در سطوح عالیه و به عنوان محور درسهای خارج فقههای شیعه قرار دارد. پس از آخوند خراسانی سید محمد حسن شیرازی (ت ۱۳۱۲ ق) شیخ حبیب الله رشتی (۱۳۱۲ ق) و شیخ الشریعه اصفهانی (۱۳۳۹ ق) و شاگردان آخوند خراسانی مثل نائینی، عراقی، اصفهانی شیخ عبدالکریم حایری، بروجرودی، سید محسن حکیم، مهمترین فقههای شیعه هستند که بخش عمده و برخی همه فعالیت و نظریات علمی شان در مباحث اصول فقه است. هم چنین بعد از آنها شیخ محمدرضا مظفر، سید ابوالقاسم خویی شهید سید محمد باقر صدر امام خمینی، سید سرور واعظ بهسودی و هم اکنون آیات عظام وحید، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، روحانی سیستانی، فیاض شیخ بشیر نجفی و... از مهمترین فقههای شیعه و علمای اصولی بوده و هستند. هم اکنون نیز علمای بزرگی به تدریس علم اصول فقه می پردازند. مشخصات و ویژگیهای این دوره را به قرار ذیل می توان برشمرد: ۱. دقت و تحقیق در مباحث فقهی و اصولی ۲. ابداعات و ابتکارات جدید، ۳. عدم تأثیر از اصول فقه اهل سنت، ۴. نقد گستره اقوال و دیدگاهها، ۵. ظهور روش جدید در مباحث فقهی و اصولی. هم اکنون کتاب فراید الاصول شیخ انصاری، کفایه الاصول آخوند خراسانی، حلقات شهید سید محمد باقر صدر، اصول فقه شیخ محمدرضا مظفر از متون درسی اصول فقه در مدارس دینی شیعه است. از حدود نیم قرن پیش، اصول فقه شیعه به زبان فارسی هم ترجمه شده و در رشته حقوق و برخی رشته های علوم انسانی مثل معارف اسلامی و... در دانشگاه ها هم تدریس میشود و هم کتابهای متعددی به فارسی هم در علم اصول نوشته شده است. تحول دیگر در اصول فقه شیعه در نیم قرن اخیر تلاش برای بحث مقارنه ای و تطبیقی با اصول فقه اهل سنت است که کتاب اصول العامه للفقہ المقارن مرحوم سید محمدتقی حکیم از نخستین و مهمترین کتاب ها در این حوزه است.

نتیجه گیری

علم اصول فقه به عنوان یکی از شاخه های مهم و پر بار علوم اسلامی است که پس از تعریف، تاریخچه، علل پیدایش آن و شکل گیری دوره تاسیس علم فقه در تشیع در سیر تکاملی خود در سپهر علوم اسلامی، به دو شاخه اصول فقه اهل سنت و اصول فقه شیعه تقسیم گردیده و هر کدام مسیر متفاوتی را طی نموده است.

علل پیدایش علم اصول لذا می توان گفت در مرحله ی نخست در سطح علم حدیث بود. کم کم با گذشت زمان، فهم حکم شرعی از روی روایات تعمق و دقت بیش تری پیدا کرد، که بروز محسوس آن را در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام مشاهده می کنیم. راه دسترسی مستقیم به منابع و مصادر احکام با شهادت ائمه علیهم السلام و غیبت امام زمان علیهم السلام بسته شد. قرائن حالیه نیز با بیش تر شدن فاصله از زمان صدور روایات از بین رفت. در نتیجه، طریقه ی فهم حکم شرعی از طریق نصوص دقت و عمق بیش تری پیدا کرد، به گونه ای که استخراج حکم از مصادر شرعی نیازمند خبرویت بود. بدین ترتیب علم فقه در دامن علم حدیث متولد شد و اصول فقه اهل سنت که ریشه های آن پس از عصر نزول و در دوره صحابه و تابعین دیده میشود، شش دوره مرحله را پشت سر گذاشته است (۱) دوره پیش از تدوین؛ (۲) دوره تدوین که با نگاش اولین کتاب اصولی توسط شافعی آغاز گردید (۳) دوره گسترش و تکامل اصول فقه اهل سنت که با تدوین کتاب های مهمی چون مآخذ الشرایع ابومنصور محمد ماتریدی، رساله الکرخی فی الاصول از ابوالحسن عبید الله الکرخی، اصول الجصاص از امام ابوبکر احمد بن علی رازی، جصاص، تقویم الادله از ابوزید عبدالله بن عمر قاضی دبوسی، کنز الاصول الی معرفه الاصول از ابوالحسن علی بن محمد بزودی و اصول السرخسی از شمس الائمه ابوبکر محمد بن احمد سرخسی المستصفی نوشته ابو حامد غزالی و المحصول اثر فخرالدین رازی رقم خورد (۴) دوره پیدایش اصول

فقه مقارن و تطبیقی؛ (۵) دوره ظهور مکتب و نظریه مقاصد الشریعه و (۶) دوره رکود که از قرن نهم به بعد را شامل میشود.

اصول فقه شیعه که توسط امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بنیان گذاری گردید، هفت دوره یا مرحله را تجربه کرده است (۱) دوره پیش از تدوین؛ (۲) دوره تأسیس و پایه گذاری که به سده چهارم هجری بر می گردد؛ (۳) دوره تثبیت (۴) دوره استقلال و توسعه؛ (۵) دوره غلبه عقل گرایی در استنباط و ظهور اخباری ها (۶) ظهور مجدد اصول گرایی و افول نص گرایی و (۷) دوره کمال و شکوفایی در این دوره اصول فقه شیعه با ظهور شیخ مرتضی انصاری آخوند محمدکاظم خراسانی هروی و دانشمندان اصولی دیگر به اوج شکوفایی رسید.

فهرست منابع

۱. ابو زهره، محمد (بی تا) اصول الفقه قاهره: دار الفکر العربی
۲. اصول فقه فقه (کلیات علوم اسلامی ۳) شهید مطهری، قم صدرا چاپ سی و چهارم (۱۳۸۹).
۳. اصول الاستنباط، آیت الله السید علی نقی الحیدری، دار الکتب الاسلامیه چاپ هشتم ۱۳۸۸.
۴. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء
۵. آل قاسم، عدنان فرحان (۱۳۹۲)، تطور حركه الاجتهاد عند الشیعه الامامیه، قم: مركز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)
۶. أعیان الشیعه، علامه السید محسن الامین، چاپ بیروت، ۱۰ جلدی .
۷. المعالم الجدیده، سید محمد باقر، صدر تهران، نعمان، چاپ دوم ۱۳۹۵.
۸. آمدی، سیف الدین (۱۴۰۲)، الاحکام فی اصول الاحکام، تعلیق: عبد الرزاق عفیفی ریاض: المکتب الإسلامی، الطبعة الثانية
۹. ائمه و علم اصول سید احمد میر، عمادی، قم بوستان کتاب چاپ اول ۱۳۸۴.
۱۰. تاریخ علم اصول آیت الله مهری هادوی تهرانی، قم، کتاب خرد، چاپ دوم ۱۳۸۵.
۱۱. جصاص، احمد بن علی رازی (۱۴۱۴)، الفصول فی الاصول، کویت: وزاره الاوقاف وشئون الاسلامیه، الطبعة الثانية
۱۲. جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۲) ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات کیهان
۱۳. حسینی سید عبدالله، افشاگر احمد ذبیح (۱۳۹۴)، علوم حدیث نزد فریقین، کابل: نمایندگی جامعه المصطفی العالمیه-

افغانستان

۱۴. حکیم منذر (۱۳۷۷)، مراحل تطور اجتهاد، مجله فقه اهل بیت شماره ۱۵.
۱۵. جایگاه شناسی علم، اصول سید حمید رضا حسنی و مهدی علی پور قم مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول ۱۳۸۵، ج اول.
۱۶. دانش مسلمین محمد رضا حکیمی فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم ۱۳۷۱
۱۷. دروس فی علم اصول سید محمد باقر، صدر، قم، شریع، چاپ چهارم ۱۴۲۸ الوسيط فی اصول الفقه، جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۱
۱۸. رجال نجاشی، قم، نشر جامعه مدرسین.
۱۹. سعید الخن مصطفی (۱۳۹۵) تاریخ اصول فقه ترجمه؛ جلال جلالی زاده، تهران: نشر احسان.
۲۰. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، التذکره بأصول الفقه، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۱. صدر، سید حسن (بی تا)، تأسیس الشیعۀ لعلوم الاسلام، تهران: منشورات اعلمی.
۲۲. صدر، شهید سید محمد باقر (۱۳۹۵)، المعالم الجدیدة للاصول، نجف: مکتبه النجاح
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۳)، العده فی اصول الفقه، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۴. علی پور، مهدی (۱۳۹۷)، درآمدی به تاریخ علم اصول، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۵. گرجی ابوالقاسم (۱۳۷۵)، تاریخ فقه و فقهها، تهران: سمت
۲۶. مباحث الاصول، آیت الله سید کاظم حائری، قم مقرر، چاپ سوم ۱۴۰۸.
۲۷. مدکور محمد سلام (بی تا) مباحث الحکم عند الاصولیین، قاهره: دار النهضة العربیه
۲۸. منتهی الاصول، شهید سید عبدالصاحب حکیم چاپ اول، ۱۴۱۳، چاپخانه امیر، هفت جلد.
۲۹. مفید محمد بن محمد (۱۳۷۲)، التذکره باصول الفقه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید
۳۰. نهایه الاصول آیت الله حسنقلی منتظری، قم، تفکر، چاپ اول ۱۴۱۵.
۳۱. نهج البلاغه محمد دشتی، قم، مؤسسه طوبی، محبت، چاپ اول، ۱۳۸۵

باتشکر از زحمات شما استاد گرامی سرکار خانم دکتر سید فاطمی

فاطمه علیان نژادی

پاییز ۱۴۰۳